



زنجانی؛ عدم پرداخت وجوه حاصل از محموله‌های نفتی دریافتی و عدم عودت ارزهایی که جهت پرداخت بدهی وزارت نفت به پیمانکاران خارجی در اختیارش قرار داشت، عنوان شد. او همچنین با اتهاماتی مانند پول شویی، کلاهبرداری و جعل اسناد نیز روبرو شده بود. بابک زنجانی متهم شده که از مبلغ دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو که موظف بوده به وزارت نفت پرداخت کند، ۱۶۰ میلیون یورو پرداخت کرده و مابقی را صرف امور شخصی کرده است.»

بیژن زنگنه، وزیر نفت دولت روحانی در آن مقطع زمانی، پیگیر بازگرداندن اموال وزارت نفت بود اما به دلیل حمایت‌های خاصی که از بابک زنجانی می‌شود او نه تنها همکاری با دولت وقت نداشت که حتی در یک جلسه دادگاه، وزیر نفت وقت را تهدید کرد. با این حال به گفته زنگنه از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۹ حتی یک مورد محموله نفتی نبود که فروخته شود اما پول آن به کشور بازنگردد در حالی که زنجانی موفق شده بود مبلغ کلانی از محل فروش نفت ایران را نصیب خود کند. بنابراین زنگنه این اقدام را به عنوان نواذر روزگار یاد کرد. با شکایت وزارت نفت دستگیر شد و برای او حکم اعدام صادر شد؛ حکمی که از سوی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۵ نیز تأیید شد اما اجرایی نشد به امید اینکه او این بدهی را پرداخت کند. حال بعد از ۷ سال از آن زمان این بدهی به دلیل همکاری بابک زنجانی با اطلاعات سپاه و دستگاه قضا بازگردانده شده است. پیش از این یک چهارم از بدهی او با مصادره اموال او پرداخت شده بود. در خردادماه سال ۱۳۹۸ براساس گزارش کارشناسی اعلام شد که اموالی که طی سال‌های گذشته ارزیابی شده، حدود ۲ هزار میلیارد تومان است که مبلغ ارزیابی ۶۰۰ میلیون دلار با نرخ دلار آن زمان بود. این اموال در اختیار وزارت نفت است. باقیمانده طلب وزارت نفت به جز بهره آن نیز بیش از ۲ میلیارد دلار تخمین زده شد.

▼ پرونده‌ای در دستگاه نهایی

این روزها فساد مالی ارزی بسیاری در دولت سیزدهم شناسایی و کشف شده است و حتی وزیر سابق کشاورزی در دولت سیزدهم در این پرونده هاتم است. بنابراین تقریباً پرونده بابک زنجانی در اذهان عمومی کمرنگ شده بود. تا اینکه دستگاه قضا از وصول بدهی بابک زنجانی خبر داد. آنگونه که اطلاع‌رسانی شده است اموال بابک زنجانی در کشورهای اسرار، جمهوری آذربایجان و ترکیه قرار داشت. با توجه به اینکه ارزش اموال بابک زنجانی در خارج از کشور حدود چهار تا پنج میلیارد دلار بوده است، موضوع باقی اموال توسط مراجع ذیصلاح تعیین تکلیف خواهد شد. کل مبلغ بدهی بابک زنجانی دو میلیارد و هشتصد میلیون دلار بود. بخشی از این مبلغ، یعنی یک میلیارد و سیصد میلیون دلار آن پس از توقیف اموال بابک زنجانی در داخل کشور تأدیبه شد. هلدینگ سورینت و هوایمایی قشم از جمله اموال وی بوده است. یک میلیارد و پانصد میلیون دلار از مبلغ بدهی وی باقی مانده بود که به‌روزرسانی این بدهی، پس از چند سال، رقم بدهی او را به دو میلیارد دلار افزایش داد.

چندالسبت از پرداخت بدهی زنجانی به دولت، اظهارات وکیل اوست. وکیل بابک زنجانی به رسانه‌ها گفت که انتظار دارد با توجه به اینکه اموالی که قبلاً از مولکش گرفته شده و اموالی که به تهران بازگردانده شده، بیش از مبلغی است که در حکم بابت «رد مال» ذکر شده، زمینه عفو و آزادی مولکش فراهم شود. رسول کوهپایه‌زاده تأکید کرده است که بابک زنجانی از سال ۱۳۹۲ تا امروز به مدت ۱۰ سال در زندان بوده است و حالا استحقاق بهره‌مندی از مقررات ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی را دارد.» او از «شخص» رئیس قوه قضائیه، رئیس کل دادگستری استان تهران و همچنین مأموران وزارت اطلاعات ایران که «مینه» بازگرداندن اموال را فراهم کردند تشکر و قدردانی کرد. وکیل بابک زنجانی بدون شرح جزئیات، تأکید کرد که کاری که انجام شد «در شرایط حاضر بین المللی کار بسیار بزرگ و خطیری بوده است.»

▼ زنجانی بیش از ۱۰ سال نهادهای مالی را سر کار گذاشت



محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا درباره پرونده بابک زنجانی و پرداخت بدهی او به هم میهن گفت: «بند نه‌اندیشی خراج از آن چیزی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود، ندارم. آن چیزی که مطلع هستم موادی است که همه مطلع هستند اما این حق را به روزنامه‌نگاران کشور، به مردم و افکار عمومی می‌دهم که در این مورد اطلاعات شفاف بشوند. بابک زنجانی از محصولات دولت احمدی‌نژاد است. یعنی دولت احمدی‌نژاد که در آن فسادهای اقتصادی بزرگی رخ داده به دلیل تحریم‌هایی که در آن مقطع وجود داشت، به‌دنبال آن بود که افرادی را پیدا کند که به‌زعم آنها غرض‌ه دور زدن تحریم‌ها را داشته باشند و آقای زنجانی

رشد حدود ۴ برابری این مراکز در سطح کشور نیز جالب توجه است. این مقام وزارت ورزش، اردیبهشت‌ماه در گفت‌وگویی دیگری با ایسنا، از وجود ۳۳ مرکز قانونی همسریابی یا همسان‌گزینی صحبت کرده بود که در ۱۵ استان کشور فعال بودند اما حالا با گذشت ۱۰ ماه از این اظهارنظر، همین مدیر دولتی از وجود ۱۲۰ مرکز همسان‌گزینی فعال در سطح کشور صحبت کرده است که به صورت قانونی و با کسب مجوز فعالیت می‌کنند. خدمات برخی از این مراکز رایگان است و برخی دیگر نیز در ازای خدمات مشاوره یا معرفی موارد به یکدیگر، هزینه‌ای دریافت می‌کنند. بنابراین مشخص نیست که حداقل مراکز که به‌صورت رایگان این خدمات را ارائه می‌کنند، هزینه‌های جاری‌شان از چه منبعی تأمین می‌شود. آیا وزارت ورزش و جوانان تأمین‌کننده این هزینه‌ها است؟

▼ به دنبال همدم

از گذشته برخی افراد در محله‌ها بودند که نقش واسطه برای ازدواج را ایفا می‌کردند. این واسطه‌ها هنوز هم بسیار فعال و محل رجوع خانواده‌ها به‌خصوص در بافت سنتی جامعه هستند. به‌طور کلی، پیدا کردن مورد مناسب برای ازدواج ممکن است که دغدغه بخشی از جامعه باشد. در تمام این سال‌ها و با گسترش فضای مجازی، کانال‌های غیررسمی

احمد عربانی

سمفونی خطوط



نمایشگاه مطبوعات

آن روزها، آن روزنامه‌نگاران...

ابراهیم عمران روزنامه‌نگار

آبادستواری هم دارد؟ بحث کاغذدولتی است که خیل عظیمی از روزنامه‌ها و مجله‌ها را به سمت نمایشگاه می‌کشاند؟ که اگر نیابند از چنین امکانی محروم خواهند شد؟ سال‌های درخشان نمایشگاه مطبوعات دست‌کم نصف روز، وقت مخاطب را می‌گرفت. از فرط گپ و گفتی که ایجاد می‌شد. شادی و نشاطی که در پس هر تفسیر و تحلیل به وجود می‌آمد غیرقابل توصیف بود. این بار اما با احتساب ترافیک حول و حوش نمایشگاه کلاک ساعت و نیم این نمایشگاه گردی طول کشید که دوسوم آن به ترافیک می‌رسد و بس! حضور مسئولان به تنهایی که نمی‌تواند رونق بخش این رویداد شود. هم‌زمان اگر روزنامه‌نگاران و مخاطبان و مسئولان با هم به گپ و گفت نشینند؛ شاید بتوان گفت درصدی از راه را در چنین رخدادی رفته‌ایم. شاید پوست نمایشگاه با آن شکل و شمایل خاص اش، نمایی از این چند روز آمد و شد محدود باشد. آن جایی که دو گوش بر روی واژگان سنگینی می‌کند. دو چشم استعراش نیز مات و مبهور است. واژگان روزنامه طراخی شده نیز؛ در خلأ مستتر است. انگار همه امور دست به دست هم داده‌اند که اغذیه‌فروشان هم توجهی به این رویداد نداشته باشند؛ آن‌هایی که روزهای نمایشگاه درامدشان افزون خواهد بود. شرکت‌هایی که پخش غذا را بر عهده دارند هم تمایلی به شرکت نداشتند. آیا آنها نیز می‌دانند روزنامه‌ها خوانده نمی‌شوند!... نیمه خالی را دیدیم؛ چون آن شوری که بعد سال‌ها داشتیم؛ محقق نشد. حق است که کمی نیمه پر را مشاهده کنیم. آنگاه که در زمان خروج از نمایشگاه؛ فردی در خیابان موازی با آن، پرسید چه نمایشگاهی بود؟ گفتیم مطبوعات، گفت شرق و اعتماد هم بودند؟ جواب مثبت دادم. گفت مجله فیلم چطور؟ گفت ندیدم. بعد می‌دانم پرسش‌هایش زیاد شده بود. گفتم خب شما که نزدیک آن هستید؛ چرا خودتان نمی‌روید؟! کیش را باز کرد. کیهان و اطلاعات و شرق و اعتماد را نشانم داد. گفت من خود نمایشگاه مطبوعات! گفتیم پس هنوز می‌توان به زنده بودن روزنامه‌ها ایمان داشت اگر...

از پس دستمان طی این سال‌ها به روزنامه نخورد؛ تو گویی جسمی سخت را ورق می‌زیم؛ درگاه نمایش مطبوعات و این سنگینی به حتم سبب سازش، استفاده رویه از اینترنت و نگاه به واژگان روزنامه در آن است. تازه این برای ما که اهل روزنامه باقی مانده ایم؛ صدم می‌کند. دیگران که به حتم سال‌هاست در سید فرهنگی روزنامه‌شان، روزنامه‌خریدن و خواندن، جایی ندارند! با بهر حال، نمایشگاه مطبوعات بعد از چند سال برگزار شد. روز دوم به صلی‌قتم. آخرین باری که غم‌میتی نبود در نمایشگاه دیده بودم؛ دوره‌ای بود که کتاب و مطبوعات کنار هم میزبان اهل فرهنگ بودند. نیک همگان آگاه هستند که میزبان چه کسانی بودند و میهمانان هم چه افرادی. حالیه این نوشتاری ذهن دل‌رامی آزاد. جز چند غرقه که آن سال‌ها نیز از میزانشن و دکور بندی چیزی کم نمی‌گذاشتند به واسطه نزدیک بودن به مواضع دولت و دارا بودن سرمایه؛ بقیه غرقه‌ها به روزنامه‌های چاپی و چه سایت‌ها، در فضایی رخت‌انگیزی با یکی دو صندلی و گاهی هم میز؛ هوار رفته به انتظار مخاطب فرضی بودند. تازه غصه آنجا افزون می‌شود که در همین غرقه‌هایی که دوستان منتقد سیاست‌های دولت حضور داشتند؛ اهل تحریریه به ندرت دیده می‌شدند. برای صاحب این قلم بسیار سخت بود که کسی از اهل مطبوعات در غرقه حضور نداشت. هر چند در آن روزی که من رفته بودم سردبیر و معاون سردبیر «هم‌میهن» و یکی از روزنامه‌نگاران «شرق» حضور داشتند و کمی هم غرقه «انصاف‌نیز» به واسطه حضور مدیرش، نفسی می‌کشید! به راستی اینگونه نبودن‌های روزنامه‌نگاران چه پیامی دارد؟ و یا بودن‌های افراد غیرمسئول برای اینکه مسئولان آماردهنده بعداً بگویند از کم و کیف نمایشگاه؛ چه معنای دیگری دارد؟ نمی‌دانم این چنین حضور به‌هم‌رساندن

به علاوه، اصل بدهی او که در واقع از صندوق توسعه ملی و شرکت نفت است، ۲/۷ میلیارد دلار است که با سود ۷ تا ۸ درصد سالانه این پول، اکنون باید به بیش از ۶ میلیارد دلار رسیده باشد و نه آنکه اصل بدهی فقط دریافت شود. از همه مهمتر اینکه این پول چرا وارد خزانه کشور و بانک مرکزی شده است؟ این پول مربوط به شرکت نفت است. فارغ از این کلیات، باید توجه کرد که این اموال آورده‌شده چه هستند؟ طبعاً جز از طلا چیز دیگری نمی‌تواند باشد. نقل و انتقال

ادامه سر مقاله

و حتی تهیه این اندازه طلا و دلار امری صعب و در شرایط کنونی حتی نشدنی است. بنابراین، انتظار می‌رود که مسئولین ذریعط گزارشی کامل از جزئیات امر را با توجه به نکات مطرح‌شده در این سرمقاله، جهت اطلاع و تنویر افکار عمومی ارائه دهند. دولت محترم هم خیلی نخواهد که خود را بانسی این ماجرا معرفی کند؛ فعلاً بهتر است به ماجرای ۲/۷ میلیارد دلار جای دیش بپردازند و پاسخ دهند تا بعد نوبت به موارد دیگر برسد.